

نظام سیاسی مطلوب در اندیشه آیت الله بهشتی

سید محمدرضا مرندی^۱، فاطمه صفدری^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۱۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۲۸

چکیده:

یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که آیت الله بهشتی معتقد به نظامی با عنوان امت و امامت بوده است که رهبری آن در عصر حضور بر عهده معصوم و در عصر غیبت بر عهده ولی فقیه می‌باشد. ولی فقیه در عصر غیبت باید علاوه بر دارا بودن شرایط مذکور در نصوص شرعی، مورد قبول و پذیرش امت نیز قرار گیرد. بهترین شیوه انتخاب رهبر یا همان ولی فقیه در عصر غیبت از دیدگاه آیت الله بهشتی، انتخابات دو درجه‌ای است، به گونه‌ای که برای احراز صفاتی چون فقاہت و عدالت که مشترک بین شرایط مرجع تقلید و ولی فقیه است، می‌توان به شیوه انتخاب مرجع تقلید در رساله‌های عملیه، مراجعه کرد اما برای احراز توانایی مدیریت، شجاعت، تدبیر و آگاهی از شرایط زمانه، نیاز به توسل به تجربه در امور مذکور برای تشخیص، وجود دارد که با انتخابات دو درجه‌ای این مقصود حاصل می‌گردد. مشروعیت حکومت ولی فقیه در عصر غیبت از نظر آیت الله بهشتی، بر مبنای نظریه انتخابی ولایتی است که طبق آن برای احراز مشروعیت در رهبری، علاوه بر وجود صفت فقاہت و عدالت به عنوان حق‌الله در او، پذیرش مردم نیز به عنوان حق‌الناس ضروری است و این دو شرط در کنار پذیرش مردم لازم‌الجمع‌اند و در صورت نبود هر یکی از آن دو، مشروعیت نظام سیاسی تکمیل نمی‌گردد. مقاله مذکور بر اساس روش توصیفی تحلیلی نگارش و در گردآوری اطلاعات آن از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است.

واژگان اصلی: نظام سیاسی، ولایت فقیه، آیت الله بهشتی، امت، امامت، مشروعیت.

۱. عضو هیأت علمی گروه فقه سیاسی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

۲. کارشناسی ارشد فقه سیاسی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

مقدمه

سید محمد حسینی بهشتی، یکی از معماران انقلاب و جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود. وی مراحل عالی علمی در زمینه حوزه و دانشگاه را طی کرد. همزمان با تحصیل، مشغول فعالیت‌های سیاسی و انقلابی شد. به دستور امام خمینی^(ره) پیش از انقلاب به عضویت شورای انقلاب درآمد و از بیست و نهم بهمن ۱۳۵۷ نیز اقدام به تشکیل حزب جمهوری اسلامی برای تبیین و اجرای فقهی و سیاسی حکومت اسلامی در ایران کرد. پس از همه‌پرسی دوازده فروردین ۱۳۵۸، ایشان برای تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی بر پایه اسلام، یکی از افرادی بود که به نمایندگی از مردم تهران وارد مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران شد و مدیریت این جلسات را به عنوان نایب رئیس بر عهده گرفت. سپس وی با حکم امام خمینی^(ره) به ریاست دیوان عالی کشور منصوب شد و اقدام به تاسیس قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران کرد.

آیت الله بهشتی دارای شخصیتی ویژه، علمی، مقتدر و در عین حال، متخلق بود. جایگاه سیاسی، مناظرات علمی-سیاسی، دفاعیه‌ها و استدلال‌های قوی، او را به عنصری تبدیل کرده بود که مخالفان جمهوری اسلامی ایران برای توقف وی به هر وسیله‌ای متمسک می‌شدند. لذا سرانجام در هفتم تیر ۱۳۶۰ توسط گروه تروریستی مجاهدین خلق به شهادت رسید.

ولایت فقیه یکی از اصلی‌ترین پایه‌های نظام جمهوری اسلامی ایران است که سال‌ها در میان صاحب نظران، مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته، به گونه‌ای که غالباً محور مباحث سیاسی دهه‌های اخیر بوده است. در راستای فهم بهتر از مفهوم ولایت فقیه در خلال تاسیس نظام جمهوری اسلامی ایران، رجوع به اندیشه بنیان‌گذاران آن، ضروری می‌نماید. با توجه به اینکه آیت الله بهشتی، از مهم‌ترین معماران انقلاب اسلامی و قانون اساسی می‌باشد، لازم است تا مسأله ولایت فقیه در اندیشه وی را مورد بررسی قرار دهیم.

تعریف مفاهیم اصلی

مفاهیم ذیل از جمله مفاهیم کلیدی و مهمی است که در این تحقیق، مکرر مورد استفاده قرار گرفته است، لذا جهت فهم بهتر این نوشتار در آغاز به تبیین آن‌ها می‌پردازیم:

ولایت فقیه

عبارت «ولایت فقیه» از ترکیب دو لغت «ولایت» از ریشه «ولی» و «فقیه» از ریشه «فقه»، ساخته

شده است. برای فهم بهتر معنای لغوی ولایت فقیه، لازم است مفهوم اجزای آن را روشن کنیم.

وکی (به سکون لام و یا) در لغت به معنای «قرب و نزدیکی»، «نصرت و یاری»، «تسلط امر غیر و سلطه و رهبری» است (راغب اصفهانی، بی تا: ۵۳۳ و ۵۷۰؛ ابوحیب، ۱۴۰۸: ۳۹۰؛ قلعجی، ۱۴۰۸: ۵۱۰؛ الحسینی الواسطی الزبیدی، بی تا: ۳۳۹؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱: ۷۵۶؛ طریحی، ۱۳۷۷: ۴۵۵) و به کسی که زمام‌داری و تصدی امور فرد یا افراد دیگر را بر عهده گیرد، «والی» گویند. ولایت در اصطلاح به معنای لغوی خود شباهت بسیاری دارد، به گونه‌ای که آن را سرپرستی و تسلط بر امور (مالی، جانی یا دیگر امور) غیر معنا کرده‌اند که می‌تواند به دلیل شرعی یا عقلی و به صورت بالعرض یا بالاصاله بروز پیدا کند. (آل بحر العلوم، ۱۴۰۳: ۲۱۰؛ طباطبایی، ۱۴۰۹: ۹۰)

فقه در لغت معانی متعددی دارد، از مفاهیم مرتبط در اینجا می‌توان به «علم و آگاهی دقیق و عمیق به چیزی و فهم و درک آن، رسیدن از دانشی آشکار به دانشی پنهان، بصیرت و آگاهی در امر دین» اشاره کرد (ابن منظور، ۱۴۰۸: ۵۲۲؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۴۸؛ مصطفوی، ۱۴۳۰: ۱۲۴؛ طریحی، ۱۴۱۶: ۳۵۵). فقه در اصطلاح به معنی علم به احکام فرعی شرعی از ادله تفصیلی است. (مشکینی، ۱۴۱۹: ۱۸۰) برخی فقه را قانونی برای رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی می‌دانند (موسوی خمینی، ۱۳۷۸: ۲۸۹) امام خمینی (ره) در جایی از فقه به عنوان تئوری کامل اداره انسان از زمان تولد تا مرگ یاد می‌کند. (همان، ۱۳۸۴: ۱۲). لذا فقیه بر وزن فعلیل به کسی دلالت دارد که دارای درک و فهم عمیق از فقه و احکام شرعی باشد. (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۴۲۲؛ زمخشری، ۱۴۱۷: ۴۵؛ الفراهیدی، ۱۴۰۸: ۳۰۷) فقیه در اصطلاح به کسی گویند که ملکه استنباط احکام شرعی فرعی از منابع چهارگانه شرعی را دارا باشد. (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱۳۷)

«ولایت فقیه» یک نظریه سیاسی - فقهی درباره نوع نظام حاکم در عصر غیبت امام معصوم عجل الله تعالی فرجه الشریف است. عبارت «ولایت فقیه» در لغت به معنای اداره، مدیریت و سرپرستی جامعه توسط فقیه جامع شرایط است. هدف از نظریه ولایت فقیه تحقق شریعت اسلام در جامعه و هدایت انسان‌ها به سمت کمال، پیشرفت، بلوغ، شکوفایی استعدادها، برپایی عدالت و رسیدن به سعادت ابدی است. شیعه بر این باور است که در زمان حیات حضرت رسول (ص) زمامداری امور جامعه اسلامی بر عهده پیامبر (ص) بوده است. پس از رحلت ایشان این وظیفه خطیر به جانشینان بر حق وی یعنی علی بن ابی طالب و یازده فرزند معصوم ایشان از سلاله پاک دخت نبی مکرم اسلام، حضرت فاطمه الزهرا (س) منتقل شده است. اما با آغاز امامت امام دوازدهم

و بروز شرایط خاص غیبت، امت اسلام از دسترسی مستقیم به معصوم محروم شدند؛ لذا تکلیف ولایت و رهبری امت اسلام و شؤون آن به واسطه نصب عام از سوی امامان معصوم (ع) به فقه‌های عادل و جامع شرایط منتقل شد. فقیه جامع شرایط باید از معصیت و گناه به دور و نسبت به قوانین شرع و مصالح امت آگاه باشد و به‌طور کلی لازم است که ولی فقیه دارای شرایط امام معصوم اما در رتبه نازل باشد. (مصباح یزدی، ۱۳۹۱: ۹۰) زیرا وجوب اجرای احکام اسلامی در سطح جامعه و حکومت در زمان غیبت معصوم نیز بر حکم خود باقی است. چرا که: ولایت فقیه در امتداد خلافت رسول الله و امامت امت است. (معرفت، ۱۳۷۸: ۴۳)

امت

«امت» یا «امّة»^۱ اصلتا یک کلمه عربی است که از ریشه «امم» گرفته شده و به معنای «قصد و آهنگ کردن» است. این کلمه در کتب زبان شناسان دارای معانی متعددی است از جمله: شریعت، دین، مذهب، جماعتی که وجه مشترک دارند (قرشی بنایی، ۱۳۴۲: ۱۱۸)، راه درست، زمان، ملت مسلمان، گروه هم کیش، قومی که خداوند برای آنان پیامبری فرستاده. (ابن منظور، ۱۳۰۸: ۱۰۱) اکثر مفسران و عالمان علوم قرآنی نیز با توجه به جایگاه واژه امت در آیات قرآن کریم، تعاریف مختلفی از امت دارند. (سیوطی، ۱۴۲۱: ۱۹۳) به نظر می‌رسد جامع و کامل‌ترین تعریف از امت که در این مقاله مورد نظر است، تعریف راغب اصفهانی از امت می‌باشد: او در تعریف «امت» چنین نگاشته: «گروه یا جماعتی با هدف مشترک که گرد هم آمده اند (خواه این هدف دین باشد یا یک مکان همچون سرزمین مادری یا غالب زمانی)». (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴: ۱۹۳)

آیت‌الله بهشتی امت را مجموعه‌ای از مردم می‌داند، که بر محور یک مسلک و مکتب واحد، گرد هم آمده‌اند. لذا از میان کل مردم جهان، آنان که بنا بر اعتقادشان به اسلام، یک مجموعه را تشکیل می‌دهند، «امت اسلامی» نامیده می‌شوند. همان‌طور که در آیه «ان هذه امتکم امه واحده و انا ربکم فاعبدون» مسلمانان، یک امت معرفی شده‌اند. (انبیاء: ۹۲) امتی که بنا بر ایدئولوژی نظام اسلامی که از آن یاد شد، نیاز به رهبری یک امام دارد (حسینی بهشتی، مبانی نظری قانون اساسی، ۱۳۹۰: ۳۹) نکته قابل توجه درباره وسعت امت این است که امت غیر از ملت است. برای مثال، ملت مسلمان ایران، جزئی از امت اسلام است. چنانچه شهید بهشتی در استعمال کلمه «امت» در

۱. Ummah

سخنرانی‌های خود نیز این مسأله را در نظر می‌گیرد. «امیدوارم این عید برای ملت ما و امت بزرگ اسلامی برکات فراوان همراه داشته باشد...» (صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۴، ج ۳: ۱۸۷)

لذا از تعاریف فوق به نظر می‌رسد که رابطه‌ی امت با جامعه جهانی، رابطه‌ی عموم و خصوص مطلق باشد. افراد امت، بر اساس یک مکتب فکری، با پیوندهای ایمانی و عملی، - به هم - مرتبط شده‌اند. (حسینی بهشتی، همان: ۸)

امامت

«امامت»^۱، به معنای ریاست عامه بر امور دینی و دنیایی مسلمین است (بحرانی ۱۳۵۵: ۱۷۵) که یکی از مهم‌ترین محورهای اعتقادی مسلمانان پس از اصل توحید و نبوت می‌باشد.^۲ (طوسی، ۱۳۵۱: ۵۰) با وجود اینکه در نوع ولایت و شرایط امامت بین شیعه و سنی اختلاف وجود دارد، اما همه آنان بر لزوم وجود رهبر و امام در جامعه اسلامی، اتفاق نظر دارند.

امامت یعنی جانشینی رسول خدا (ص) در امور دینی و دنیایی به‌طوری‌که اطاعت از وی واجب است. (تفازانی، ۱۴۰۹: ۲۳۴) امام، واژه‌ای عربی از ریشه «ام یوم» است به معنی شیء مورد اقتدا، طریق، سرپرست یا مقدم. (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۲۴ و طریحی، ۱۳۷۵: ۲۴) جمع «امام»، «ائم» می‌شود. امام فرد یا شیء است که مورد تبعیت قرار گیرد؛ حال این فرد یا شیء حق باشد یا باطل (راغب اصفهانی: ۲۴). شیخ طوسی، امام را رئیس معرفی می‌کند که در امور مسلمین بسط ید دارد و مانع زیاده خواهی مخالفان و ستم ظالمان می‌گردد.^۳ (طوسی، همان: ۶۰) برخی نیز امامت را ریاست عامه مطلق تعریف می‌کنند.^۴ (حلی، ۱۳۶۰: ۱۷۷)

مسأله «امامت» نزد شیعیان از اصول دین محسوب می‌گردد. (لاهیجی، بی تا: ۳۳۳) لذا

۱. Imamate

۲. «امامت بعد از توحید مهم ترین مسأله دینی است، چه بدون شناخت و فهم جایگاه امام، توحید ناقص خواهد بود و جمیع دستاوردهای پیامبر اعظم (ص) در معرض خطر و اضمحلال قرار خواهد گرفت» (طوسی، تلخیص الشافی، ۱۳۵۱: ۵۰)

۳. «الامام رئیس مستنبط الید، بودع المعاندين، یتتصف للمظلومین من الظالمین»

۴. «الامامه ریاسة عامه دینیة مشتمله علی ترغیب عموم الناس فی حفظ مصالحهم دینیة و دنیاویة و زجرهم عما یضرهم بحسبها»

شیعیان، آن را در حوزه مباحث کلامی قرار می‌دهند و امامت را جایگاهی معنوی می‌پندارند که در راستای انجام تکلیف به آن اقدام شده است؛ نه برای کسب مقاصد دنیایی.^۱ اهمیت اصل «امامت» نزد شیعیان به گونه‌ای است که به مرور «امامیه» لقب گرفتند. امامیه بر این باورند که امامت منصبی الهی است. فرد شایسته برای جایگاه امامت باید از جانب خدا و رسول (ص)، تعیین گردد؛ زیرا یکی از شرایط لازم امامت، «عصمت» است و تنها خداوند متعال به عصمت خلق، آگاهی دارد. امام منصوب منصوص با شرایط فوق، واجب‌الاطاعه است. (مصباح یزدی، ۱۳۷۵: ۱۶۲-۱۶۳) از دلایل مشروعیت نصب امام نزد امامیه، می‌توان به قاعده لطف و حکم عقل (سبزواری، ۱۴۲۵: ۵۰۹) بر لرزوم وجود رهبر در هر جامعه بشری، اشاره کرد.^۲ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱۰: ۱۷۹)

در کلام شهید بهشتی عبارت «امام»، «ولی امر»، «امامت امت»، «رهبر»، «زامدار» در باب ولایت فقیه در عصر غیبت از معانی یکسانی برخوردار است و بر ولی فقیه دلالت دارد. چنانچه خود نیز در جلسه بررسی اصول مربوط به ولایت فقیه در قانون اساسی به این مورد اشاره می‌کند. (صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، همان، ج ۱: ۳۶۸) در نظام سیاسی - اعتقادی اسلام، امت باید پایبند به محور امامت باشد که منجر به بروز تعهد و مسئولیت بین این دو عنصر می‌گردد. (حسینی بهشتی، مبانی نظری قانون اساسی، همان: ۴۳) شخص امام در این نظام جاودانه نیست چرا که «کل نفس ذائقه الموت» (عنکبوت: ۵۷) اما نقش امامت، نقشی جاودانه است. (همان، ولایت، رهبری، روحانیت، ۱۳۹۰: ۲۲۶)

شیعه معتقد است که امامت منصوص منصوص مستقیم از جانب خداوند، منحصر در دوازده نفر است؛ اما این انحصار به دلیل رابطه خانوادگی و نژاد یا جایگاه طبقاتی نیست. بلکه به دلیل وجود ویژگی عصمت و علم الهی در این افراد است. به طریق اولی، نائب امام یا ولی فقیه در عصر غیبت نیز به موجب رنگ و نژاد یا رابطه خونی یا طبقاتی، منصوب نشده است. شرایط رهبری (ولی فقیه) در عصر غیبت مجموعه‌ای از ویژگی‌های قابل اکتساب و دسترس برای عموم است. انتقال ولایت در این مورد همچون مقام مرجعیت یا قضاوت ارثی نیست.

مشروعیت

۱. البته تعیین حدود ولایت تشریحی امام جزو مباحث فقهی می‌باشد.

۲. «لَوْ بَقِيَتْ الْأَرْضُ بِغَيْرِ إِمَامٍ لَسَاخَتْ»

مشروعیت در لغت به معنای «مطابق شرع و احکام الهی بودن» (معین، ۱۳۸۸: ۱۳۲۰ و عمید، ۱۳۶۴: ۱۳۰۰)، «قانونیت» (جبران، ۱۹۸۶ م: ۸۷)، «بر حق بودن» (آریان پور و آریان پور، ۱۳۶۷: ۶۱۴) و در اصطلاح علوم سیاسی، به معنای هماهنگی ارزش و عقیده بین مردم و حاکمان است. هماهنگی که منجر به سهولت اطاعت و عدم نیاز به اعمال زور و تهدید می‌گردد. (ابوالحمد، ۱۳۶۸: ۲۴۵) هنگام سخن گفتن از نظام های حکومتی، تبیین مبانی مشروعیت آن، اجتناب ناپذیر است زیرا:

(۱) چگونگی تعیین رهبر و حاکم، مبین مبانی مشروعیت هر حکومتی است. (مرنندی، ۱۳۷۶: ۱۷-۴۵)

(۲) اصل بر عدم نفوذ حکم فرد یا گروهی است، مگر آنکه صلاحیت وی و مشروعیت اش در صدور حکم ثابت گردد^۲ (موسوی خمینی، ۱۳۵۷ق: ۱۸)

(۳) داشتن مشروعیت، منجر به اقتدار و نفوذ کلام حکومت می‌شود. (وینسنت، نظریه های دولت، ۱۳۷۱: ۶۷)

سه نظریه اصلی در مشروعیت رهبری در عصر غیبت

عالمان تشیع سه نظریه اصلی برای تبیین مبانی مشروعیت رهبری، در عصر غیبت ارائه کردند:

الف) نظریه انتصابی محض یا نصب عام (کشف) ب) نظریه انتخابی وکالتی ج) نظریه انتخابی ولایتی یا جمع یا الهی - مردمی.

الف) نظریه انتصابی محض

این نظریه یکی از قدیمی ترین نظریات مطرح نزد فقهای امامیه است. نظریه «انتصابی محض» یا «کشف»، مبانی مشروعیت فقهی دولت را نصب از جانب خداوند متعال یا یکی از معصومین علیهم السلام، می‌داند. محور اصلی این نظریه بر پایه انحصار حاکمیت مطلق، به ذات

۱. legitimacy

۲. «لا اشکال فی ان الاصل عدم نفوذ حکم احد علی غیره قضاء کان او غیره نبیا کان او وصی نبی او غیرهما»

اقدس الله، بنا شده است. (سبحانی، ۱۳۷۰: ۱۸۱-۱۸۲) که ریشه در آیاتی مانند «لا حکم الا لله» (انعام: ۵۷) دارد. بر طبق نظریه انتصابی محض (کشف)، نقش مردم در تعیین دولت، تنها فعلیت دهندگی است؛ چه آن که مردم مکلف به اطاعت از ولی فقیه منصوب الهی هستند. در نتیجه نظر و رضایت آنها در کسب مشروعیت دینی و فقهی بی تاثیر است. نفوذ جایگاه مردم صرفاً در زمینه برپایی حکومت و پیشبرد امور رنگ پیدا می‌کند و رای و رضایت مردم دارای اثری صرفاً تکوینی است نه تشریحی. (مرندی، ۱۴۰۱، ۵) چرا که تحقق هر دولتی بدون مقبولیت و همکاری مردم (حتی با وجود مشروعیت دینی)، دچار مخاطره خواهد شد. (همان، ۱۳۷۶: ۴۶) نظریه انتصابی محض در عصر غیبت در قالب مشروعیت حکومت و ولایت فقهای جامع الشرایط، بروز پیدا می‌کند. فقهایی که با شرایط مشخص از جانب شارع مقدس و با واسطه امام معصوم به مقام ولایت منصوب شده‌اند و تکلیف مردم در مقابل آنان فقط تمکین و اطاعت است (منتظری، ۱۳۶۸: ۴۹۶).

طرفداران نظریه کشف معتقدند مشروعیت حکومت پیامبر اکرم (ص) و امام معصوم (ع)، به علت نصب بی‌واسطه از جانب خداوند محقق شده و مشروعیت حکومت ولایت فقیه نیز به همین صورت، ولی از نوع باواسطه صورت گرفته است. (منتظری، ۱۴۰۹: ۴۰۶)

شیخ طوسی (طوسی، ۱۴۰۸ق: ۳۰۱)، ملااحمدنراقی (نراقی، ۱۳۶۵: ۱۳)، محمدحسن نجفی صاحب جواهر (نجفی، ۱۳۶۷: ۱۵۶)، شیخ انصاری (انصاری، ۱۳۵۷: ۱۵۴)، محمدتقی مصباح یزدی (مصباح یزدی، ۱۳۹۱: ۲۹۹-۳۰۹-۳۱۰)، جوادی آملی (جوادی آملی، ۱۳۶۸: ۱۶۲-۱۹۰)، ناصر مکارم شیرازی (مکارم شیرازی، ۱۴۱۱: ۵۱۶)، مهدوی کنی (مهدوی کنی، ۱۳۵۸) از قائلان به نظریه کشف یا انتصابی محض می‌باشند.

ب) نظریه انتخابی وکالتی

نظریه «انتخابی وکالتی» بر آن است که تدبیر امور حکومتی و سیاسی در زمان غیبت معصوم (ع)، بر عهده خود مردم می‌باشد. بنابر این فقها تنها در قضاوت، صدور فتوای و تبلیغ و هدایت دینی دارای ولایت هستند. البته پیروی از احکام اولیه در دولت اسلامی و عدم تعارض با آن‌ها در این تفکر ضروری است. طبق این نظریه، اسلامی بودن حکومت تنها با اسلامی بودن قوانین آن؛ محقق می‌گردد. ساختار و نوع حکومت نیز باید شورایی باشد و مقدرات سیاسی با اتکا به آرای مردمی مشخص گردد. (همچون انتخاب رئیس دولت).

به طور کلی در این نظریه حاکم اسلامی کسی است که خود مردم به او وکالت بر این امر

دهند چه آن فرد فقیه باشد چه نباشد.

در نتیجه، دیدگاه انتخابی وکالتی، فقط حاکمیت و اجرای احکام شرعی را برای اسلامی شدن حکومت کافی می‌داند و قائل به وجود شرط فقهت و اجتهاد در حاکم اسلامی (ولایت سیاسی فقیه) نیست؛ به عبارت دیگر، این دیدگاه، فقط به ولایت فقه قائل است اما ولایت فقیه - در معنای سیاسی آن - را قبول ندارد. (مردی، ۱۴۰۱، ۱۱)

محمد مهدی شمس‌الدین (شمس‌الدین، ۱۴۱۶ق: ۹۶)، محمد جواد مغنیه (مغنیه، ۱۹۷۹: ۷۱) از طرفداران نظریه «انتخابی وکالتی» هستند.^۱

ج) نظریه انتخابی ولایتی یا جمع (الهی - مردمی)

بنابر نظریه جمع، مبنای مشروعیت دینی و فقهی حکومت اسلامی خدا و مردم هستند. (نهج البلاغه: خطبه ۲۷) یعنی امت اسلامی با اختیاری که خداوند متعال به آن‌ها اعطا فرموده، می‌توانند در چارچوب موازین اسلامی به انتخاب دست بزنند. معنای این مشروعیت دوگانه الهی - مردمی این است که این دو در کنار هم مشروعیت کامل را تحقق می‌بخشند. این دو مشروعیت در نظریه الهی - مردمی لازم‌الجمع هستند؛ یکی مشروعیت در صلاحیت حکومت کردن است که در حوزه حق‌الله قرار می‌گیرد و دیگری مشروعیت در اعمال حاکمیت است که در حیطه رضایت مردمی و حق‌الناس است. (مردی، ۱۳۷۶: ۵۰) علت نامگذاری این نظریه به «جمع»، جمع بین حق‌الله و حق‌الناس و مشروعیت الهی و مردمی در تحقق مشروعیت دینی و فقهی حکومت است.

توضیح این که در فقه و حقوق اسلامی، حقوق شرعی به دو قسم «حق‌الله» و «حق‌الناس» تقسیم می‌شوند. مجرای این دو حق در فقه اسلامی متفاوت است مجرای حق‌الله، خدا و مجرای حق‌الناس، انسانها (اعم از اینکه مومن یا فاسق و مسلمان یا غیر مسلمان باشند) هستند. برای تأمین

۱. لازم به توضیح است که دو دیدگاه زیر با نظریه انتخابی وکالتی متفاوت است:

۱. نظریه مطرح از سوی دکتر مهدی حائری در کتاب «حکمت و حکومت» که بر مبنای جدایی دین از سیاست شکل گرفته در حالی که این دیدگاه مبتنی بر عدم جدایی دین از سیاست است و ۲. نظریه ای که از سوی شیخ مرتضی حائری تحت عنوان «وکالت فقیه از سوی امام معصوم» مطرح شده، نه وکالت حاکم از سوی مردم در امر حکومت در این نظریه.

حق‌الله باید رضایت الهی و برای تأمین حق الناس باید رضایت انسانها را کسب کرد. این نظریه بر آن است که مقوله حکومت از جمله مقوله‌های دو حقی است که هم «حق‌الله» و هم «حق‌الناس» در آن متوفر است؛ که بدین صورت که «حق‌الله»، با احراز صفات و شرایطی که در نصوص شرعی برای حکومت و حاکم اسلامی ذکر شده و «حق‌الناس» نیز با رضایت امت اسلامی به آن فرد از میان افرادی که واجد این صفات و شرایط هستند، محقق می‌شود. نظریه جمع در پاسخ به اینکه آیا مردم در امر حکومت اسلامی صاحب حق شرعی هستند جواب مثبت می‌دهد. لذا این نظریه بر آن است که حکومت شرعی، حکومتی است که هم مطابق با «حقیقت شرع» باشد و هم واجد حق شرعی تملک و سزاواری انسان بر تعیین سرنوشت خود یعنی حق «سزاوار بودن» افراد در تعیین و پذیرش زمامدار خود.

این نظریه بر آن است که هیچ تعارض ذاتی‌ای میان پذیرش همزمان دو مقوله دین و مردم سالاری در بالاترین مرتبه آنها (مردم سالاری به عنوان فلسفه و مبنای حکومت) وجود ندارد و برخلاف برداشت رایج در میان عموم صاحب‌نظران، دو مقوله نصب و انتخاب را نه ثبوتاً و نه اثباتاً مانع‌الجمع نمی‌داند بلکه جمع آن دو در برخی از شقوق‌شان را ممکن و از باب «الجمع مهمما ممکن اولی من الترتیب»، اولی و پسندیده نیز می‌انگارد. (مرندی، ۱۴۰۱، ۱۴-۱۵)

از مشهورترین طرفداران این نظریه، میرزای نائینی (نائینی، ۱۳۶۰: ۱۰)، امام خمینی (موسوی خمینی، ۱۳۹۸: ۱۹)، سید محمدباقر صدر (صدر، ۱۹۷۹: ۱۹)، مرتضی مطهری (مطهری، ۱۳۶۱: ۷۷)، صالحی‌نجف‌آبادی (صالحی‌نجف‌آبادی، همان: ۵۰)، منتظری (منتظری، همان: ۴۰۹) و آیت‌الله خامنه‌ای (خامنه‌ای، خطبه‌های نماز جمعه: ۰۴/۰۳/۱۳۷۸) می‌باشند.

بررسی‌های انجام شده در متن قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به ویژه در اصول ۲، ۵، ۵۶، ۱۰۷، ۱۱۱، بیانگر انطباق بیشتر آن با نظریه جمع (مشروعیت الهی-مردمی) در این سند مهم و مرجع در ایران و قرار گرفتن آیت‌الله بهشتی در زمره واضعان و طرفداران آن می‌باشد.

نظام سیاسی اسلام نزد آیت‌الله بهشتی

از دیدگاه آیت‌الله بهشتی، به طور کلی حکومت پیامبران دارای ویژگی‌های مشترکی بوده است همچون: (حسینی بهشتی، ولایت رهبری روحانیت، ۱۳۹۰: ۷۸-۸۰)

(۱) مقام حکومت از جانب خداوند متعال به آن‌ها اعطاء شده است. (نساء: ۶۴)

(۲) آنچه منجر به اطاعت مردم در این حکومت‌ها می‌گردد، ایمان و علاقه است نه ترس و

اجبار.

۳) حاکم معصوم از خطا، هواپرستی، ظلم به حقوق مردم و گناه است.

۴) حکومت‌ها معمولاً ساده و بی‌پیرایه‌اند مگر اینکه مقتضیات و مصالح زمانی و مکانی، حکم به تشریفات کند.

۵) هدف اولیه حکومت انبیاء، دعوت به دین الهی و سعادت بشری است.

حکومت نبی مکرم اسلام، حضرت محمد مصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نیز از این ویژگی‌ها مستثنی نیست (حکومتی که مورد اتفاق شیعه و سنی قرار دارد).

«اما تکلیف این حکومت و اهداف عالی آن پس از وفات خاتم النبیین (ص) چه می‌شود؟» شاید این یکی از مطرح‌ترین سوالات در مباحث تاریخ اسلام است. سوالی که منشأ اختلافات دو مذهب تشیع و تسنن می‌باشد. شیعیان بر این باورند که طبق مستندات متقن و غیرقابل انکار ولایت امر و جانشینی رسول الله (ص)، در همه شئون به غیر از وحی، به علی بن ابی طالب و یازده فرزند ایشان منتقل شده است. این جانشینی و انتقال آن نه به موجب نژاد و خویشاوندی و نه به موجب قدرت و غلبه یا خواست نفسانی پیامبر بوده است؛ بلکه به دلیل گزینش الهی و عصمت این بزرگواران است.

پیامبر اکرم (ص) دارای چهار شأن نبوت بوده‌اند که شامل:

۱) دریافت و ابلاغ وحی (۲) قضاوت (۳) حکومت (۴) دعوت به دین الهی و اسلام، می‌شود.

از این چهار شأن، سه شأن قضاوت، حکومت و دعوت دینی به جانشینان رسول که از آن‌ها با عنوان «امام» یاد می‌شود، منتقل شده است.

آیت‌الله بهشتی در این باره می‌گوید: با غیبت امام زمان (عج) و محروم ماندن مردم از دسترسی به علم و عدالت معصوم، شئون امامت به غیر از شأن‌های اختصاصی عصمت^۱ به همه افراد دارای شرایط منتقل می‌گردد. این انتقال شأن و کسب شرایط، تنها به لیاقت افراد برای نیابت امام زمان بودن، بستگی دارد و عوامل دیگر همچون رابطه خانوادگی یا ارث در این مسأله نافذ نمی‌باشد. (همان: ۳۷۷) شیعیان باید در عصر غیبت به زمامداری فردی راضی گردند که شرایط او

۱. منظور از شئون اختصاصی، شئونی است که به علت وجود ویژگی عصمت در ائمه از جانب خدا صرفاً به آن‌ها اعطا گردیده است.

به گونه ای مطلوب باشد که اگر امام زمان حضور ظاهری داشت، او را به فرمانروایی می گماشت. (حسینی بهشتی، ۱۳۸۶: ۸۵) فردی که گرچه عصمت ندارد اما برای عادل بودن می کوشد. گرچه علمش را مستقیم از سرچشمه وحی نمی گیرد اما در کسب علم به قرآن و روایات معتبر متمسک می شود و در عین حال نسبت به زمان خود و شرایط آن آگاهی دارد (همان: ۸۰).

اما این شرایط چیست؟ آیت‌الله بهشتی با نقل حدیث، « اما من کان من الفقهاء صائناً لنفسه، حافظه لدینه، مخالفاً لهواه، مطیعاً لامر مولاه فللعوام ان یقلدوه» (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۲: ۴۵۷)، شرایط را به طور مفصل توضیح می دهد: (همان: ۲۶۷)

از دیدگاه مسلمین، نصب رهبر و حاکم جامعه اسلامی به دو روش صورت می گیرد؛

۱. رهبری که از جانب خداوند رحمان تعیین شده است یعنی طی فرایند «انتصاب الهی مستقیم» به حاکمیت رسیده، همچون انبیاء و امامان (ع).

۲. رهبری که از جانب منتخب الهی (کسی که خود به واسطه انتصاب الهی مستقیم، رهبر

شده) تعیین می شود که به آن «انتصاب الهی غیرمستقیم» هم می گویند (همان: ۱۸۱)

در زمان غیبت که دسترسی به امام معصوم منصوص و منصوب الهی، نداریم باید به فقیه و اسلام شناسی اصیل که خوددار و جلودار تمایلات انسانی است، مراجعه کنیم (صائناً لنفسه). رهبری که وظایف خود را بداند و نگهبان دین و مکتب باشد (حافظاً لدینه). در برابر نفس اماره و هوس، مقاوم باشد (مخالفاً لهواه). فرمان خداوند که مولا و ولی مومنین است را اطاعت کند (مطیعاً لامر مولاه). (همان، ولایت، رهبری، روحانیت، همان: ۲۶۷) از امر فوق با عنوان مسأله «ولایت فقیه در عصر غیبت» یاد می شود.

آیت‌الله بهشتی اولین نویسنده متن اصل پنجم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۸ بوده؛ اصلی که با عنوان «اصل ولایت فقیه» مشهور است. (صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۴، ج ۱: ۳۹۳) ایشان اصل ولایت فقیه در قانون اساسی را یک اصل بنیادین و غیر تعارفی در نظام جمهوری اسلامی ایران می داند. (حسینی بهشتی، همان: ۲۸۹) وی معتقد است که ولایت فقیه، ضمانت عملی اسلامی ماندن جامعه و نظام سیاسی است. (همان: ۲۰۸) ولایت فقیه ضامن اجرای مکتب در همه مسائل اجتماعی و تحقق جامعه توحیدی- اسلامی است. (حزب جمهوری اسلامی، ۱۳۶۳: ۲۰)

نظام امت و امامت

آیت‌الله بهشتی جوامع را به دو دسته ایدئولوژیک و غیرایدئولوژیک تقسیم می‌کند؛ جوامع ایدئولوژیک (یا مکتبی یا جوامع مسلکی یا ایمانی)، جوامعی هستند که مردم آن پیش از هر چیز به طور آزادانه مکتب خود را مشخص می‌کنند و دیگر انتخاب‌ها را مقید به مکتب می‌کنند و خواستار انجام امور جامعه و نظام سیاسی در چهارچوب این مکتب هستند. حکومت و جامعه جمهوری اسلامی ایران نیز جزو این دسته هستند. (صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، همان، ج ۱: ۴۱۷) مردم ایران با انقلاب اسلامی خود و با شرکت در فراندوم فروردین سال ۱۳۵۸ طی اولین انتخابات، مکتب جمهوری اسلامی را برگزیدند و دیگر قوانین همچون قانون اساسی و چهارچوب‌ها را مقید به جمهوریت و اسلامی بودن کردند. نظام جمهوری اسلامی ایران یک نظام ایدئولوژیک می‌باشد که نام حقیقی و راستین آن نظام «امت و امامت» است. اما به دلیل عدم آگاهی دقیق مردم از این عنوان در آغاز انقلاب از عبارت «جمهوری اسلامی» استفاده شد (همان، مبانی نظری قانون اساسی، همان: ۲۰)

«نظام امت و امامت»، نظامی برخاسته از تعالیم اسلامی است؛ امامت در این دوران با وجود اینکه از جانب خدا تعیین می‌شد اما تحمیلی نبود. پس از غیبت حضرت ولیعصر (عج)، امامت امت اسلامی نه تنها تحمیلی نیست بلکه تعیینی هم نمی‌باشد. پس امت خود، امام را آگاهانه می‌شناسند و انتخاب می‌کنند و می‌پذیرند. (همان: ۴۰) لذا هیچ‌کس حق تحمیل زمامداری و قدرت‌اش بر مردم، بدون رضایت آن‌ها را ندارد. (همان: ۸) در نظام امت و امامت ولی فقیه از نظر سازمانی در موضع امامت قرار می‌گیرد. (صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، همان، ج ۱: ۲۶۸)

نظام امت و امامت یک سیستم سیاسی و رهبری جدید در عرصه نظری و تاریخی نمی‌باشد بلکه همانطور که گفته شد حتی سابقه نظام امت و امامت مربوط به دوران قبل از ظهور اسلام است. اما تحقق نظام امت و امامت در عرصه عمل در عصر غیبت، یک رویداد جدید و بی‌سابقه است. این نظام با هیچ نظام سیاسی دیگری قابل مقایسه نمی‌باشد؛ اما متناسب با زمان و مکان قابلیت تطبیق در قالب‌های مختلف سیستماتیک را دارد. (همان، ج ۲: ۳۶۹؛ ج ۳: ۴۵۴) تنها شرط مهم آن است که اصول اسلامی در آن رعایت گردد.^۱ (حسینی بهشتی، همان: ۴۳) لذا پیوند میان امت و

۱. البته پادشاهی در اسلام بطور کلی رد می‌شود. (بهشتی، مبانی نظری قانون اساسی، ۱۳۹۰: ۴۳)

امامت می‌تواند سرفصل جدیدی از نوع روابط بین حکومت‌شوندگان و حکومت‌کنندگان را رقم بزند (صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، همان، ج ۳: ۷۸) چرا که تعهد امت و امامت در این نظام نسبت به یکدیگر منجر به بروز مسئولیت و حق و تکلیف متقابل می‌گردد. (همان، مبانی نظری قانون اساسی، همان: ۴۲) روابط آن‌ها براساس ولایت شکل گرفته لذا امام و امت در کنار هم و پیوسته به یکدیگرند؛ چنانچه جدایی بین آنان ممکن نیست. آن‌ها در شئون زندگی به هم مرتبط‌اند؛ به گونه‌ای که کوچک‌ترین ضربه‌ای بر یکی، دیگری را به لرزه درمی‌آورد و به تعبیر شهید بهشتی «اگر یک ضربه‌ای به امام وارد شود همه امت احساس درد می‌کند و اگر ناله‌ی بینوایی از امت بلند شود، اولین کسی که متوجه آن می‌شود امام است» (همان، ولایت، رهبری، روحانیت، همان: ۴۳)

موثرترین و پرنفوذترین عامل گسترش و عمیق شدن ارتباط بین امت و امامت، ایمان راستین امام است. ایمانی که ثمره اعمال مومنانه باشد، همچون خورشید، نور بر قلوب افراد امت می‌تاباند. (همان: ۲۲۴) ایمان عاملی است که از مهم‌ترین فاکتورهای موفقیت یک نهضت نیز شمار می‌رود. (همان: ۲۲۵) هرچه ایمان رهبر بیشتر باشد، پیوند امت و امامت مستحکم‌تر می‌شود. (همان: ۲۲۲-۲۲۵)

محور حرکت نظام امت و امامت اصول عقاید و عملی اسلام براساس کتاب و سنت است و هدف آن خدمت به خلق خدا است. (همان، مبانی نظری قانون اساسی، همان: ۳۹)

امام کسی است که در امام و جلو پیروان خود حرکت می‌کند. برای هماهنگی ارتباطی و امکان بهره‌گیری مردم از امام و درک وی، باید سرعت امام و امت باهم برابر باشد تا رهبر بتواند در ساختن جامعه‌ای حق‌پذیر موفق گردد. (همان، بهداشت و تنظیم خانواده، ۱۳۹۰: ۲۴۲-۲۴۶)

ایمان امت، ریشه‌ی ظهور اطاعت امت از امام است. هنگامی که امت متوجه می‌شود؛ رهبر، منتخب از جانب الله است (مستقیم یا غیرمستقیم)، اطمینان برای او حاصل می‌شود؛ اطمینان و ایمانی که منجر به اطاعت اختیاری می‌گردد. (همان، ولایت، رهبری، روحانیت، همان: ۱۸۶)

بر پایه‌ی امت و امامت مدیریت جامعه با نظارت بر اجرای احکام اسلامی هدف شکل می‌گیرد. (همان، مبانی نظری قانون اساسی، همان: ۴۲) نظام امت و امامت، یک نظام ملی یا ناسیونالیست نیست، بلکه نظامی است که بر اساس اسلام، توصیه به انسان دوستی دارد، نه انسان‌پرستی. لذا به تعبیری نظام امت و امامت یک نظام امانیسم اسلامی است (همان: ۲۲) به

صورتی که اگر جامعه و فرد در تعارض قرار گیرند اولویت را به مصلحت جامعه می‌دهد(همان: ۸۳)

آیت‌الله بهشتی درباره تحقق نظام امت و امامت در زمان غیبت چنین می‌گوید: ما مسلمین عصر غیبت قادر به تحقق جامعه و حکومت اسلامی هستیم اما حقیقت آن است که هرگز نمی‌توانیم این مسأله را در حد کمال و بی‌نقص، عملی کنیم. حقیقت آن است که تنها راه رسیدن به کمال مطلق، ظهور منجی عالم بشریت حضرت مهدی (عج) است. اما امکان وجود نقص در نظامی که تشکیل می‌دهیم و یا پیش‌بینی اینکه جامعه بشری در آخرالزمان رو به انحطاط و فساد می‌رود مانع از تلاش‌های ما برای رسیدن به حداقل‌ها نمی‌گردد. گرچه نمی‌توانیم به ایده آل برسیم و به امام معصوم دسترسی نداریم، اما نباید از تلاش برای کسب حداقل ممکن دست بکشیم چرا که این روند نزولی در بشریت تنها مختص آخرالزمان یا عصر پیامبر خاتم (ص) نبوده است بلکه این روند از آغاز آفرینش بشر و هبوط انسان آغاز شده است. اما همواره شاهد آن بودیم که پیامبران برای ایجاد جامعه اسلامی و نظام حق در حد نصاب تلاش می‌کردند (با وجود علم‌شان به مسائل آخرالزمان و ظهور منجی) لذا آگاهی آن‌ها از آینده منجر به سکون آنان نشد. (همان، ولایت، رهبری، روحانیت، همان: ۹۵-۹۸)

مبانی و مستندات نظریه امت و امامت

در این باب آیت‌الله بهشتی به شرح ضرورت زندگی اجتماعی، لزوم وجود قوانین و فرد یا افرادی برای اجرای این قوانین و مدیریت جامعه در زندگی اجتماعی می‌پردازد. ایشان ضمن اظهار نظر خویش، رای اسلام درباره این مسائل را نیز مطرح می‌کند. سپس امام را بهترین شخص برای رهبری یک جامعه و شایسته‌ترین فرد برای اجرای قوانین معرفی می‌کند؛ که این «امام» در دوران انبیاء، پیامبران (ع) بودند. در دوران حضور معصومین، ائمه اطهار علیهم السلام^۱ بودند و در دوران غیبت، نائب امام یا ولی فقیه است. به نظر می‌رسد علاوه بر ادله عقلی مطرح از جانب آیت‌الله بهشتی، به علت تطابق نظریه «امت و امامت» با اصل «امامت» در شیعه و اصل «ولایت فقیه»، ادله‌ای که بر امامت معصومین و ولایت فقها در زمان غیبت ارائه می‌گردد، بر ثبات نظام امت و امامت نیز

۱. علی بن ابی‌طالب، حسن بن علی، حسین بن علی، علی بن حسین، محمد بن علی، جعفر بن محمد، موسی بن جعفر، علی بن موسی، محمد بن علی، علی بن محمد، حسن بن علی (علیهم السلام) و حجت بن حسن (عجل الله تعالی فرجه)

حجیت دارد.

آیت الله بهشتی در مقام اثبات نظام امت و امامت چنین می‌گوید: مطالعات تاریخی و جامعه‌شناسی نشان می‌دهد که بشر همواره زندگی اجتماعی داشته و در قالب اجتماع زیسته است. متفکران درباره علل و ریشه این زیست اجتماعی، نظرات مختلفی ارائه کرده‌اند؛

اما صرف نظر از علت بروز نوع حیات اجتماعی آنچه مسلم است و تاریخ بر آن گواهی قطعی می‌دهد، اجتماعی زیستن بشر طی زمان‌های متمادی است. حیاتی که حتی اگر معلول وجود غریزه زیست اجتماعی در انسان نباشد، مدت‌هاست که به صورت یک نیاز «شبهه‌گریزی و طبیعت‌ثانوی» بروز پیدا کرده است و به شکل یک ضرورت عملی درآمده است. (همان)

اسلام نیز صرف نظر از فطری بودن یا نبودن زندگی اجتماعی در انسان، طرفدار و مشوق زندگی اجتماعی است؛ به گونه‌ای که تعالیم آن منجر به استحکام پیوندهای اجتماعی و حفظ جامعه از سقوط می‌گردد. همچون وجوب وفای به عهد در اسلام، استحباب نیکی به همسایه، وجوب صله رحم، امر به معروف و نهی از منکر و یا استحباب نماز جماعت. عالی‌ترین صفات آدمی از منظر اسلام، هنگامی متجلی و کامل می‌گردد که در کنار پیوندها و انجام وظایف اجتماعی کسب شده باشد. (همان: ۲۹)

مطالعات و تحقیقات تاریخی حاکی از آن است که تمام اجتماعات انسانی تابع قوانین و مقررات خاصی بودند که توسط فرد یا افرادی وضع شده بود. چگونگی و زمان پیدایش این روند در تاریخ مشخص نیست. اقوال مختلفی در این باره وجود دارد.

در هر صورت، زندگی اجتماعی بشر بدون قوانین مربوط به حقوق و حدود روابط افراد، تحقق نمی‌پذیرد. قوانینی که باید توسط کسی وضع و توسط کسی اجرا گردد. (همان: ۴۵-۴۶)

ممکن است که منشأ وضع قوانین و پیدایش نظام اجتماعی به وحی برگردد اما اجرای این نظام در عمل بر عهده خود مردم است. لذا در اجتماعات انسانی همواره فرد یا افرادی وجود داشته‌اند که اجراکننده مقررات بوده‌اند و این عمل به ناچار با قدرت و تسلط بر مردم و حکومت توأم شده است. کاوش‌های علمی هیچ‌گاه به اجتماعی که بی‌رهبر یا سرپرست باشد، برنخورده است؛ رهبری که از آن با عناوینی چون کلاتر، بزرگ‌تر، کدخدا، رئیس قبیله، امام، سلطان، امیر، پادشاه و غیره یاد می‌کنند. زمامدار و حاکمیت حتی در حکومت جهانی پرتاریا نیز، پشت پرده اتحادیه‌های صنفی و محلی، پیش‌بینی شده است. (همان: ۶۴)

دوره‌های هرج و مرج، نابسامانی و بی‌حکومتی معمولاً در طول تاریخ عمر زیادی نداشته‌اند؛ زیرا که مزاج جوامع انسانی، پذیرای بی‌نظمی نیست. در نتیجه این اجتماعات به سرعت برای خروج از بن‌بست راضی به تشکیل حکومت (ولو حکومتی مستبد) شده‌اند. (همان: ۴۵) شاید به همین دلیل است که امیرالمومنین علی بن ابی طالب (ع) می‌فرماید: حضور حکومت و حاکم لازم و ضروری است حتی اگر آن حاکم و امیر فاجر باشد.^۱ لذا نیاز به حکومت و حاکم امری غیرقابل انکار است؛ ولو در مدینه فاضله افلاطون. (همان، پیامبری از نگاهی دیگر، همان: ۷۷ و ۷۶)

به همین دلیل آیت‌الله بهشتی بسیار تأکید می‌کند که در کار جمعی نیاز به رهبر است. همانطور که پیامبر هنگامی که دو نفر را به ماموریت می‌فرستادند، از بین آن‌ها یکی را امیر معرفی می‌کردند. آیت‌الله بهشتی معتقد است؛ که هر کار گروهی و اجتماعی باید مشروط به وجود رهبری شود و در این باره دوستی و رفاقت و جلوگیری از برهم زدن صمیمت بین جمع، نباید مانع انتخاب رهبر گردد. (همان، ولایت، رهبری، روحانیت، همان: ۱۸۲-۱۸۴ و ۱۹۸) قدرت ثبوت «اصل ضرورت حکومت توسط فرد یا گروه در اجتماع بشری» به قدری متقن است که نظریه‌های مخالف، توانایی ورود خدشه به آن را ندارند. تعالیم، قوانین و اخلاق اجتماعی در اسلام نیز بر همین پایه بنا شده است. در نتیجه از این پس با تکیه بر این اصل سخن خود را پیش می‌بریم. (همان، ۱۳۷۶: ۶۴)

در روایات، آیات و کلام علماء اسلام، حاکم را «امام» می‌نامند؛ امامی که دارای شرایط ویژه و خاصی است و شیوه حکومت‌اش «ولایت» نامیده می‌شود. (همان: ۷۶) امامت عالی‌ترین نوع رهبری و حکومت کردن است. در اوج قله امامت، دوازده امام معصوم قرار دارند که منصوص منسوب مستقیم الهی هستند. در رده پایین‌تر، فقهای جامع شرایط قرار دارند که منسوب غیرمستقیم از جانب معصومین هستند. (حزب جمهوری، همان: ۱۷ و ۱۸)

در کنار مستندات مطرح شده از جانب آیت‌الله بهشتی به نظر می‌رسد تمام مستندات برگرفته از منابع چهارگانه شرعی یعنی قرآن، سنت، عقل و اجماع در اثبات ولایت فقیه در عصر غیبت را، می‌توان برای حجیت ولایت فقیه در نظام امت و امامت در غیبت نیز ذکر کرد. همچون روایت مقبوله عمر بن حنظله (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱۰: ۶)، توقیع شریف امام زمان (عج) در پاسخ به اسحاق

^۱. «لابد للناس من امیر، بر او فاجر» (نهج البلاغه: خطبه ۴۰)

بن یعقوب (همان، ج ۳۸: ۱)، استاد به قاعده لطف (حسینی ترکستانی، ۱۳۸۳)، حکم عقل بر نیاز بشر به تشکیل حکومت در همه اعصار برای برقراری نظم و امنیت و رفع نیازهای اجتماعی (موسوی خمینی، ۱۳۵۷: ۱۸۱)، کامل بودن دین اسلام که شامل برنامه حکومتی هم می‌باشد، وجود احکام اسلامی که اجرای آن در گرو تشکیل حکومت اسلامی است. (موسوی خمینی، همان: ۳۰-۲۹)

جایگاه ولی فقیه در نظام امت و امامت

چنانچه گفته شد؛ در کلام آیت الله بهشتی عبارت «امام»، «ولی امر»، «امامت امت»، «رهبر»، «زمامدار» در باب ولایت فقیه در عصر غیبت از معانی یکسانی برخوردار است و بر ولی فقیه دلالت دارد. پس هنگام سخن از امامت نظام «امت و امامت در عصر غیبت»، «ولی فقیه» منظور است. کسی که در این نظام دارای وظایف و اختیاراتی می‌باشد که در ادامه به آن‌ها می‌پردازیم:

امام در عصر غیبت موظف به مراقبت از اجرای کامل و صحیح عقاید و احکام اسلام براساس قرآن و سنت است. (همان، مبانی نظری قانون اساسی، همان: ۴۲) او باید نظرات اسلامی را روشن کند و توسط شورای نگهبان حدود اسلامی را در تصویب قوانین در نظر داشته باشد. سپس برای تضمین اسلامی اجرا شدن قوانین باید بر کیفیت اداره جامعه و عمل به قوانین نظارت داشته باشد. لذا لازم است تمامی مجاری نظارت رهبر در قانون تأمین گردد. (همان: ۲۸۱-۲۸۴)

هدایت، مدیریت، تعاون و تنظیم برنامه‌های مملکتی و تقسیم وظایف، بر عهده حکومت و رهبری است. (همان: ۲۴۲) لذا همه افراد، احزاب و سازمان‌ها، وظیفه دارند که از رهبر مستقیماً کسب تکلیف کنند و اوامر وی را اطاعت نمایند. (حزب جمهوری، همان: ۲۱) حال اگر این هدایت و رهبری از خارج کشور یا بلاد اسلامی ممکن نباشد، رهبر موظف به مهاجرت به مقر جامعه اسلامی است. (حسینی بهشتی، مبانی نظری قانون اساسی، همان: ۵۰)

ولی فقیه باید نسبت به زمانه و نیازهای جامعه اسلامی در این زمان، آگاهی داشته باشد. او می‌تواند هر آنچه مصلحت اسلام و مسلمین ایجاب می‌کند، انجام دهد (همان، بانکداری، ربا، قوانین مالی اسلام، ۱۳۹۰: ۲۸۳) برای مثال می‌تواند اموال مجهول‌المالک را صرف هزینه‌های جامعه اسلامی کند (همان: ۱۷۸) یا می‌تواند در چهارچوب حفظ امنیت اسلام و امت اسلامی، اقدام به عقد قرارداد و پیمان با کشورهای غیرمسلمان کند. (همان، ولایت، رهبری، روحانیت، همان: ۴۵).

در عین حال امام غیر معصوم در زمان غیبت، موظف به مشورت در اتخاذ تصمیمات است. زیرا هر فرد عادی، برای تسلط به همه جوانب یک امر، نیاز به کسب اطلاع از صاحبان امر و کارشناسان دارد. اما در این مورد، کارشناسان، تنها پیشنهاد دهنده هستند و اتخاذ تصمیم نهایی در حیطه حقوق امام است. (صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، همان، ج ۲: ۳۴۸) امام باید براساس قرآن و سنت، مراعات مصالح زمانی و مکانی را در اتخاذ تصمیم، بکند. (حسینی بهشتی، بهداشت و تنظیم خانواده، همان: ۱۸۹).

امام یا اعضای شورای رهبری^۱ در برابر قانون با همه ملت یکسان هستند و در صورت ناتوانی در انجام وظایف یا سقوط یکی از شرایط لازم در رهبری، به موجب ماده ۱۱۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۸، از مقام خود برکنار می‌شوند. (همان، مبانی نظری قانون اساسی، همان: ۴۹)

امام باید بیش از همه مردم، به موازین نهضت، پایبند باشد. او نباید به گونه‌ای رفتار کند که در اعمالش ایجاد شک شود. (حسینی بهشتی، پیامبری از نگاهی دیگر، همان: ۷۶ - ۷۷) در عین حال او باید در جمع مردم بماند و با جمع حرکت کند تا مردم امکان بهره‌مندی و کسب فیض را از وی داشته باشند (همان: ۴۲۲) ولی فقیه باید در صحت رفتار خود دقت کند تا مردم همواره حامی او باشند. (همان، ولایت، رهبری، روحانیت، همان: ۲۴۲) او باید برای هدایت امت، کشش و جاذبه لازم را ایجاد کند؛ چرا که در دین اسلام اعمال امامت، با زور و تحمیل، مشروع نیست. (همان، پیامبری از نگاهی دیگر، همان: ۲۴۶)

وظایف امت در قبال امام:

در برابر امام، امت متعهد به وظایف و اختیاراتی به شرح ذیل است:
در نظام امت و امامت و پس از برپایی نظام اسلام، امت در حیطه مسائل اجتماعی موظف به پیروی از حکومت است و تقلید در این زمینه از دیگر مراجع تقلید جایز نیست. (حسینی بهشتی،

^۱ در قانون اساسی مصوب ۱۳۵۸ نهادی جایگزین پیش‌بینی شده بود. به این صورت که اگر فقیه دارای شرایط مذکور در اصل پنجم موجود نباشد، شورای رهبری (متشکل از فقهای واجد شرایط)، طبق اصل ۱۰۷ قانون اساسی عهده دار وظیفه ولایت امر و امامت امت می‌گردند. «شورای رهبری» در بازنگری سال ۱۳۶۸ از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران حذف شد.

بانکداری، ربا، قوانین مالی اسلام، همان: ۱۸۰) امت باید در انتخاب رهبران هوشیار باشد و ملاک‌های سنت را در نظر گیرد. ملاک‌هایی همچون: علم و آگاهی، ایمان و تقوا، عدالت، فضیلت و غیره. (همان، پیامبری از نگاهی دیگر، همان: ۸۴) امت مسلمان و عادل باید در برپایی عدل بکوشد و ظالمین را سرکوب کند. (صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، همان، ج ۱: ۳۱۷) امت موظف است فرصتی برای اندیشه، تفکر و جستن راه نجات و چاره‌جویی در نظر بگیرد و سیل خروشان احساسات را کنترل و هدایت کند تا پیوند بین امت و امامت سازنده و کارساز گردد و حرکت آن‌ها به ثمر برسد. (همان، ج ۳: ۱۱۲؛ بهشتی، بهداشت و تنظیم خانواده، همان: ۱۷۳)

شرط حیات و پیشرفت در امت اسلامی، برخورد سالم و سازنده آراء و افکار مختلف است (همان، آزادی، هرج و مرج، زور مداری، ۱۳۸۸: ۷ و ۱۰) لذا امت باید اصل آزادی بیان را در نظرگیرد و به افکار و آراء، احترام گذارد. بر امت است که امام را آگاهانه بشناسد و قلبا او را بپذیرد و چون این فرایند اختیاری، صورت بگیرد؛ منجر به ایجاد مسئولیت برای امت در برابر امام می‌شود. (همان، مبانی نظری قانون اساسی، همان: ۴۱) امت باید در صورت کوتاهی حکومت در انجام وظایف، آن را به انجام فرایض خود وادار کند و این امر را از طریق قوانین اسلامی از پیش تعیین شده انجام دهد و اگر حکومت باز هم در انجام تکلیف خود اهمال کرد، لازم است آن قدر تلاش کند تا حکومت شایسته‌ای را بر سر کار آورد که قادر و کوشا در انجام وظایف خود باشد (همان، ولایت، رهبری، روحانیت، همان: ۳۷۸ و ۳۷۱)

امت حق دخالت در تعیین سرنوشت سیاسی خود را دارد و تا حد ممکن می‌تواند در اداره امور، در نظام اسلامی مشارکت کند و نظام باید چنین امکاناتی را برای امت فراهم سازد حکومت اسلامی نیز موظف است که به خواست امت تا حدی که فرد و جامعه دچار مخاطره و فساد نگردد، توجه کند. (همان، مبانی نظری قانون اساسی، همان: ۳۳ و ۴۸)

شیوه انتخاب ولی فقیه در عصر غیبت

آیت‌الله بهشتی درباره نحوه انتخاب رهبر توصیه به ارجاع به رساله عملیه می‌کند. یعنی برای شناخت فقیه عادل و اعلم برای تقلید مکلف جامعه، دو راه وجود دارد یا خود شخص باید تبصر لازم در این زمینه را داشته باشد یا به دو نفر کارشناس مورد اعتماد مراجعه کند. یا به تبع گروهی

متعهد و مومن عمل کند که نسبت به عدالت و علم آن‌ها در این‌باره آگاه است.

البته در مورد انتخاب رهبر یک مرحله دیگر را نیز اضافه می‌کند و آن مرحله تشخیص لیاقت، میزان آگاهی به زمان، شجاعت، توانایی تدبیر و مدیریت است. مطمئن‌ترین راه برای حصول این مرحله که با موازین اسلامی نیز منطبق است، انتخابات چند درجه‌ای سیستماتیک می‌باشد؛ انتخاباتی که مشابه انتخابات حزبی است. مراجع تقلید و فقها، با توجه به تخصصشان، حق اظهار نظر فقهی درباره مسأله ولایت فقیه را دارند. اما نظرشان درباره لیاقت یک شخص، برای جایگاه ولی فقیه، بر نظر افراد عادی جامعه ارجحیت ندارد و رأی یک نفر، در کنار دیگر آراء، محسوب می‌گردد. (همان، ولایت، رهبری، روحانیت، همان: ۲۱۶-۲۱۷ و ۲۱۹)

مبنای مشروعیت حکومت ولی فقیه در نظام امت و امامت

بحث مبنا مشروعیت حکومت با مبحث کیفیت تعیین حاکم ارتباط تنگاتنگی دارد. (مردی، ۱۳۷۶: ۳۰) آیت‌الله بهشتی معتقد است که بر طبق مبانی اسلام، مشروعیت حکومت اسلامی و حاکم اسلامی در عصر غیبت از آراء مردمی حاصل می‌گردد. به گونه‌ای که فقیه با وجود دارا بودن جامع شرایط ولایت، نمی‌تواند خود را بر مردم تحمیل کند؛ زیرا تحمیل و زورمداری در اسلام مورد مذمت است و بر خلاف منطق قرآن و اندیشه شیعی می‌باشد. (احرام: ۷۵ و ۷۶) چنانچه رهبران و مراجع تقلید شیعه نیز هرگز خود را بر مردم تحمیل نکردند (حسینی بهشتی، ۱۳۹۰: ۸ و ۹۰) آیت‌الله بهشتی با نگارش اصل پنجم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، بر این تفکر تأکید کرد.

داشتن شرایطی چون فقه، عدالت، تقوی، آگاهی به زمان، شجاعت، تدبیر و مدیریت، شرط لازم برای تحقق مشروعیت حکومت ولی فقه در عصر غیبت است، اما کافی نیست. بلکه بر طبق سنت و قرآن فقیه جامع شرایط باید از سمت اکثریت مردم شناخته و پذیرفته شده باشد (صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج ۱، همان: ۳۹۳)

علت نقش مبنایی مردم، در کنار شرایط مذکور، این است که اسلام برای مردم و به عبارتی «ناس» ارزش و اعتبار قائل است و هدف اصلی‌اش نیز خدمت به انسان‌ها است. آیت‌الله بهشتی در این‌باره اظهار می‌دارد: طبق اصول عقیدتی و عملی دین مبین اسلام، حاملان مسئولیت و صاحبان اصلی حق، در نظام امت و امامت، مردم هستند. یکی از اساسی‌ترین پایه‌های جمهوری اسلامی

ایران نیز این است که حکومت و زمامدار آن، باید با پذیرش آزادانه ملت به قدرت برسد (حسینی بهشتی، همان: ۳۹ و ۱۰)

آیت‌الله بهشتی مشروط بودن مشروعیت رهبری به رای مردم در عصر غیبت را در اصول دیگر قانون اساسی نیز جاری می‌کند و بیان می‌دارد که طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هیچ حکومتی بدون دخالت تام رای مردم، محقق نمی‌گردد (صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، همان، ج ۲: ۴۵)

دیگر علت این امر غیر تحمیلی بودن امامت امامان معصوم منصوب منصوص است؛ زیرا با وجود این‌که امامت‌شان از سمت خداوند متعال تعیینی بوده اما تحمیلی نبوده است. پس به طریق اولی امامت ولی فقیه در عصر غیبت تحمیلی نیست، چون تعیینی هم نمی‌باشد.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مجاری برای مشارکت مردم در تعیین سرنوشت خویش و نظارت بر اجرای امور، پیش‌بینی شده است؛ مانند مجرای امامت برای نظارت و مشارکت در قوه قضائیه، مجرای ریاست جمهوری منتخب برای اعمال نظارت و مشارکت در دستگاه اجرا و مجرای نمایندگان منتخب در قوه مقننه. همچنین شوراهای برخاسته از مردم نیز دیگر مجرای نظارت بر حسن اجرای امور و دخالت مردم در حکومت و تعیین سرنوشت سیاسی و اجتماعی خویش است. (حسینی بهشتی، همان: ۱۰ و ۳۹ و ۱۶۷)

همان‌گونه که گفته شد در باب مبنای مشروعیت رهبری در عصر غیبت، سه نظریه وجود دارد: نظریه انتصابی محض یا کشف، نظریه انتخابی وکالتی، نظریه جمع یا انتخابی ولایتی.

آیت‌الله بهشتی مبنای مشروعیت ولایت فقیه در عصر غیبت را رضایت و پذیرش مردم در کنار تحقق جامع شرایط مذکور در شرع مقدس اسلام می‌داند؛ به گونه‌ای که هیچ کدام به تنهایی منجر به تحقق مشروعیت نمی‌گردد. یعنی وجود همه شرایط در فقیه لازم است ولی کافی نیست و برعکس، پذیرش و حق مردمی لازم است ولی کافی نیست. بلکه هر دو آن‌ها در کنار هم حجت‌اند. (صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، همان، ج ۱: ۴۱۷)

با مقایسه نظرات آیت‌الله بهشتی در این باره و نظریه های مطرح در باب مبنا مشروعیت رهبری، متوجه شباهت زیاد اندیشه ایشان با نظریه انتخابی ولایتی یا همان نظریه جمع، می‌شویم. در نتیجه به نظر می‌رسد؛ آیت‌الله بهشتی نظریه جمع یا الهی-مردمی را برای مبنای مشروعیت فقهی

حکومت، برگزیده است.

نتیجه گیری

از مباحث مطرح شده نتیجه می‌گیریم که آیت‌الله بهشتی در اندیشه سیاسی خود، به نظام امت و امامت معتقد بوده است. در این نظام، امت از مجموعه‌ی مسلمانان تشکیل شده که به موجب اعتقادشان به اسلام گرد هم آمده‌اند و در عصر غیبت توسط فردی از میان خودشان اداره می‌شوند. این فرد را، امام یا رهبر یا ولی فقیه گویند؛ که علاوه بر دارا بودن جامع شرایط مذکور از جانب شارع مقدس، همچون ایمان، تقوی، عدالت، مهارت مدیریت، شجاعت، آگاهی به زمان و غیره، باید مورد پذیرش و قبول امت قرار گیرد. آیت‌الله بهشتی بر این باور است که ولایت فقیه، نه تعیینی است و نه تحمیلی. در عصر غیبت نصب عام برای رهبری از جانب شارع تعلق به فرد خاصی که معصوم باشد، ندارد؛ بلکه همه افراد دارای شرایط مذکور در سنت شامل این نصب می‌گردند و تحقق ولایت این افراد در گرو مقبولیت و پذیرش از طرف امت است.

او نام حقیقی و راستین نظام جمهوری اسلامی ایران را، نظام امت و امامت می‌داند. در بررسی نوع جوامع، جامعه‌ی جمهوری اسلامی ایران را یک جامعه ایدئولوژیک و مکتبی معرفی می‌کند که نظام سیاسی‌اش نیز بر پایه همین مکتب و ایدئولوژی بنا شده و رهبر این نظام مسلکی باید از متعهدترین و پایبندترین افراد به مکتب و مسلک باشد. قوانین و اهداف و سیاست، در جوامع مسلکی، همگی بر محور مسلک و برای رسیدن به کمال در مکتب حرکت می‌کنند. این مکتب و ایدئولوژی در کشور ما اسلام راستین است. لذا قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز بر پایه شریعت اسلام بنا شده است.

آیت‌الله بهشتی در مقام ارائه مستندات حجیت نظام امت و امامت، پس از اثبات ضرورت وجود زندگی اجتماعی، قوانین و رهبر در جوامع انسانی، امامت را بهترین و عالی‌ترین نوع رهبری معرفی می‌کند که در اوج قله آن معصومین علیهم السلام قرار دارند، و در عصر غیبت معصوم، امامت جامعه اسلامی بر عهده فقهای جامعه الشریط است.

در کنار مستندات مطرح شده از جانب آیت‌الله بهشتی که عمدتاً دلایل عقلی را شامل می‌شود، بنظر می‌رسد با توجه به تطابق نظریه امت و امامت با نظریه مشهور ولایت فقیه در عصر غیبت، می‌توان مستندات مطرح برای اصل ولایت فقیه را در اینجا نیز جاری کنیم. مثل مقبوله عمر بن حنظله، توقیع شریف امام زمان (عج) در پاسخ به اسحاق بن یعقوب، قاعده لطف و غیر

مبنای مشروعیت رهبری در عصر غیبت از دیدگاه شهید بهشتی، بر پایه دو ویژگی استوار است؛ یک، امام باید دارای جامع شرایط مذکور از طرف شارع باشد. دوم، امام باید مورد پذیرش و قبول مردم قرار گیرد. هر کدام از این پایه‌ها لازم اند اما به تنهایی کافی نیستند بلکه جمع آن‌ها برای تحقق مشروعیت ضروری است. مقایسه این تفکر با دیگر نظرات مطرح در باب مشروعیت رهبری در عصر غیبت، حاکی از شباهت نظر آیت الله بهشتی با نظریه انتخابی ولایتی یا الهی-مردمی است. نظریه الهی-مردمی مشروعیت را بر دو محور حق الناس و حق الله تعریف می‌کند که این حقوق در اینجا لازم الجمع اند.

آیت الله بهشتی معتقد است که؛ شیوه شناخت فرد مناسب برای رهبری و جایگاه ولایت فقیه در عصر غیبت، شبیه شیوه شناخت مرجع تقلید است که در رساله‌های عملیه ذکر شده است با این تفاوت که یک مرحله به آن اضافه می‌گردد. این مرحله‌ی اضافه برای شناخت لیاقت سیاسی و توانایی مدیریت و اداره جامعه است، که از طریق انتخابات چند درجه‌ای سیستماتیک محقق می‌گردد.

کتابنامه

قرآن کریم

نهج البلاغه

ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ق). معجم مقاییس اللغة، به تحقیق عبدالسلام محمد هارون، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.

ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۳۰۸). لسان العرب. تصحیح جمال الدین میردامادی. بیروت: دارصادر.

ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۸ق). لسان العرب. بیروت: دار احیا التراث العربی.

ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). لسان العرب. تهران: دارالجلیل لاطباقه و النشر.

ابوالحمد، عبدالحمید (۱۳۶۸). مبانی سیاست. تهران: انتشارات توس. چاپ چهارم.

ابوحیب، سعدی (۱۴۰۸ق). القاموس فقهی لغه و اصطلاحا. دمشق: دارالفکر. چاپ دوم.

اداره تبلیغات و انتشارات (۱۳۶۸). راهنمای استفاده از صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی

نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران همراه با معرفی مجلس و اعضای خبرگان. تهران:

اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی. چاپ اول.

اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی (۱۳۶۴). صورت مشروح مذاکرات

مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (جلسه پنجاه و یکم تا شصت و

هفتم). تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی. چاپ اول.

اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی (۱۳۶۴). صورت مشروح مذاکرات

مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (جلسه اول تا سی و یکم).

تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی. چاپ اول.

اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی (۱۳۶۴). صورت مشروح مذاکرات

مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (جلسه سی و دوم تا پنجاهم).

تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی. چاپ اول.

آریان پور، عباس، و منوچهر آریان پور (۱۳۶۷). فرهنگ فشرده انگلیسی به فارسی (یکجلدی).

تهران: امیرکبیر. چاپ دوازدهم.

آل بحر العلوم، سید محمد (۱۴۰۳ق). بلغه الفقهیه. تهران: منشورات مکتب الصادق.

- بحرانی، ابن میثم بن علی (۱۳۵۵). قواعدالمرام فی علم الکلام. قم: انتشارات مهر.
- تفتازانی، سعد الدین (۱۴۰۹ق). شرح المقاصد. قم: شریف رضی.
- جبران، مسعود (۱۹۶۸ م). الرائد: معجم اللغوی عصری. بیروت: دارالمعلم للملایین. چاپ پنجم.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۱). ترمینولوژی حقوق. تهران: کتابخانه گنج دانش. چاپ دوازدهم.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۳۸). نظری سیاسی اسلام. قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸). ولایت فقیه؛ ولایت فقاہت و عدالت. تنظیم محمد محرابی. ۱۳۸۸. قم: نشر اسراء.
- حزب جمهوری (۱۳۶۳). مواضع ما (تبیین دیدگاه‌های حزب جمهوری اسلامی). تهران: دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی. چاپ سوم.
- الحسینی الواسطی الزبیدی، سید محمد مرتضی (بی‌تا). تاج العروس من جواهر القاموس. بیروت: مکتب الاحیاء.
- حسینی بهشتی، سید محمد (۱۳۷۶). حکومت در اسلام تهران: سروش. چاپ دوم.
- حسینی بهشتی، سید محمد (۱۳۹۰). بانکداری، ربا، قوانین مالی در اسلام. تهران: بنیاد نشر آثار و اندیشه‌های آیت‌الله دکتر بهشتی.
- حسینی بهشتی، سید محمد (۱۳۹۰). بهداشت و تنظیم خانواده. تهران: بنیاد نشر آثار و اندیشه‌های آیت‌الله دکتر بهشتی.
- حسینی بهشتی، سید محمد (۱۳۹۰). پیامبری از نگاهی دیگر. تهران: بنیاد نشر آثار و اندیشه‌های آیت‌الله دکتر بهشتی.
- حسینی بهشتی، سید محمد (۱۳۹۰). حق و باطل از دیدگاه قرآن. تهران: بنیاد نشر آثار و اندیشه‌های آیت‌الله دکتر بهشتی.
- حسینی بهشتی، سید محمد (۱۳۹۰). مبانی نظری قانون اساسی. تهران: بنیاد نشر آثار و اندیشه‌های آیت‌الله دکتر بهشتی.
- حسینی بهشتی، سید محمد (۱۳۹۰). ولایت، رهبری، روحانیت. تهران: بنیاد نشر آثار و اندیشه‌های آیت‌الله دکتر بهشتی.
- حسینی ترکستانی، سید امیر حسین (۱۳۸۳). «ولایت فقیه در اسلام» پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مرکز جهانی علوم اسلامی.

- حلی، یوسف بن علی (۱۳۶۰). کشف الفوائد فی شرح القواعد العقاید. تبریز: مکتب اسلامی.
- خامنه ای، سیدعلی (بی تا). حدیث ولایت. مدرسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی (دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله خامنه ای).
- راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد (۱۴۰۴ق). المفردات فی غریب القرآن. تهران: دفتر نشر کتاب.
- راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). المفردات فی غریب القرآن، به تصحیح صفوان عدنان داودی. سوریه: دارالعلم-دارالشامیه.
- راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد (بی تا). المفردات فی غریب القرآن. بیروت: دارالمعرفه.
- زمخشری، محمود (۱۴۱۷ق). الفائق فی غریب الحدیث. به تصحیح شمس الدین ابراهیم. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- سبحانی، جعفر (۱۳۷۰). مبانی حکومت اسلامی. ترجمه داوود الهامی. قم: انتشارات توصیه.
- سبزواری، مولی هادی بن مهری (۱۴۲۵ق). اسرارالحکم فی مفتوح و المختوم. قم: مطبوعات دینی.
- سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن. الاتقان فی علوم القرآن. بیروت: دارالکتب العربی. (۱۴۲۱ق).
- شمس الدین، محمد مهدی. مجله نورا: اهلیه المراه لتولی السلطه، بیروت: الموسسه الدولیه الدراسات و النشر. (۱۴۱۶ق).
- صالحی نجف آبادی، نعمت الله (۱۳۶۳). ولایت فقیه؛ حکومت صالحان. بی جا: موسسه خدمات فرهنگی رسا.
- صدر، سید محمد باقر (۱۹۷۹م). «الاسلام یقود الحیات» لمحہ الفقہیہ تمہیدیہ عن مشروع دستورالجمهوریہ الاسلامیہ فی ایران. بیروت: دارتعارف للمطبوعات.
- طباطبائی، محمد کاظم (۱۴۰۹ق). العروه الوثقی. بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳ق). الاحتجاج. تحقیق محمد باقر خراسان. مشهد: نشر مرتضی.
- طریحی، فخر الدین (۱۳۷۷). مجمع البحرین. تهران: دانشگاه تهران. چاپ دوم.
- طریحی، فخر الدین (۱۴۱۶ق). مجمع البحرین. تهران: کتابفروشی مرتضوی. چاپ سوم.
- طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن (۱۳۵۱). تلخیص الشافی. قم: انتشارات عزیزی.
- طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن (۱۴۰۸ق). الرسائل العشره. قم: موسسه النشر الاسلامی.
- عمید زنجانی، عباس علی (۱۳۶۶). فقه سیاسی (نظام سیاسی و رهبری در اسلام). تهران: امیر کبیر.

- عمید زنجانی، عباس علی (۱۴۲۱ق). فقه سیاسی. تهران: امیر کبیر. چاپ چهارم.
- عمید، حسن (۱۳۶۴). فرهنگ فارسی (دوجلدی). تهران: امیرکبیر. چاپ ششم.
- الفراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۸). کتاب العین. اصفهان: مرکز القائمیه باصفهان لتحریرات الکتبوتریه.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب سال ۱۳۵۸
- قرشی بنایی، علی اکبر (۱۳۴۲). قاموس قرآن. بی‌جا: دارالکتب الاسلامیه.
- قلعجی، محمد (۱۴۰۸ق). معجم لغه الفقها. بیروت: دارنفاثس. چاپ دوم.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵). اصول کافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه. چاپ چهارم.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- مرندی، سید محمدرضا (۱۳۷۶). مبانی مشروعیت نظام سیاسی در اسلام. تهران: عطا. چاپ اول.
- مرندی، سید محمدرضا (۱۴۰۱). «سه نظریه فقهی در مبنای مشروعیت دولت در فقه سیاسی شیعه»، جستارهای سیاسی معاصر.
- مشکینی، علی (۱۴۱۹ق). مصطلحات الفقه. قم: الهادی.
- مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۷۵). راه و راهنما شناسی. تهران: امیر کبیر.
- مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۹۱). پرسش‌ها و پاسخ‌ها. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قدس سره). چاپ دوم
- مصطفوی، حسن (۱۴۳۰ق). التحقیق فی کلمات القرآن. بیروت: دارالکتب العلمیه. چاپ دوم.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۱). پیرامون انقلاب اسلامی. تهران: صدرا.
- معرفت، محمدهادی (۱۳۷۸). ولایت فقیه. قم: تمهید. چاپ سوم.
- معین، محمد (۱۳۸۸). فرهنگ فارسی یک جلدی. تهران: اشجع. چاپ هشتم.
- مغنیه، محمد جواد (۱۹۷۹م). الخمینی و الدوله الاسلامیه. بیروت: دارالعلم للملایین.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۱۱ق). انوارالفقاهه (الکتاب البیع). قم: مدرسه امیرالمومنین (ع).
- منتظری، حسینعلی (۱۴۰۹ق). دراسات فی ولایت الفقیه الدوله الاسلامیه، قم: المکز العالمی الدراسات الاسلامیه.
- منتظری، حسینعلی (۱۳۶۸). دراسات فی ولایت الفقیه و فقه الدوله الاسلامیه، ترجمه محمود صلواتی. بی‌جا: موسسه کیهان. (بی‌تا).

منتظری، حسینعلی (۱۴۰۹ق). مبانی فقهی حکومت اسلامی. ترجمه محمود صلوانی و ابوالفضل شکوری. قم: مؤسسه کیهان.

موسوی خمینی، روح الله (۱۳۵۷). کشف الاسرار. تهران: انتشارات آزادی.

موسوی خمینی، روح الله (۱۳۷۸). صحیفه امام. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی. چاپ سوم.

موسوی خمینی، روح الله (۱۳۸۵). تحریر الوسیله. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

موسوی خمینی، روح الله (۱۳۹۸). ولایت فقیه. قم: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی. چاپ سی و نهم.

موسوی خمینی، روح الله (۱۴۱۸ق). الاجتهاد و التقليد، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

مهدوی کنی، محمدرضا (۱۳۵۷). «ولایت ائمه و فقها و مشروعیت آن». نشریه پیام صادق، شماره ۸

نائینی، میرزا حسین (۱۳۶۰). تنبیه الامه و تنزیه المله (حکومت در اسلام). به تحقیق سیدمحمود

طالقانی. تهران: شرکت سهامی انتشار.

نجفی، محمد حسن (۱۳۶۷). جواهر الکلام فی شرح الشرایع الاسلام، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

وینست، اندرو (۱۳۷۱). نظریه‌های دولت. ترجمه حسین بشریه. تهران: نشر نی.